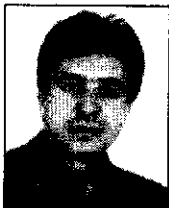




پیشگامان  
تحریر محمد فتحی



محمد فتحی

## تهران و بغداد؛ چالش بر سر مشروعیت

- ایران در سال ۱۹۲۹ کشور عراق را به رسمیت شناخت
- ایران و عراق دو پیمان نظامی به نام‌های سعدآباد و بغداد با یکدیگر منعقد ساختند
- ایران باید از اقدامات تحریک‌آمیز در قبال عراق خودداری کند

و ارتش‌های دو کشور در مقابل یکدیگر صف‌آرایی کردند. در سال ۱۴۵۳ میلادی سلطان محمد دوم معروف به سلطان محمد فاتح با تصرف قسطنطنیه که بعدها به استانبول تغییر نام داد امپراتوری بیزانس (روم شرقی) را پس از هزار سال از بین برده و شکستی سنگین نصیب مسیحیان کرد. ولی با شکست ارتش عثمانی در سال ۱۵۲۹ در پشت دروازه‌های وین عملاً پیشروی آنها در اروپا متوقف شد اما این امپراتوری که کنترل بالکان و بخش وسیعی از سرزمین‌های اسلامی را در دست داشت به تحریک پاپ و کلیسای مسیحی به جنگ مذهبی با ایران پرداخت که این جنگ و اقدامات به ضرر شیعیان و اهل سنت و جهان اسلام تمام شد.

در سال ۱۲۹۹ عثمان پسر ار نغرل به عنوان اولین پادشاه عثمانی به قدرت رسیده و در سال ۱۵۰۲ نیز شاه اسماعیل صفوی در تبریز تاجگذاری کرد. امپراتوری صفویه در سال ۱۷۲۲ با سقوط اصفهان و روی کار آمدن افغان‌ها از بین رفت ولی عثمانی‌ها تا پایان جنگ اول جهانی به حکومت ادامه دادند و عاقبت در ۲۹ اکتبر ۱۹۲۳ سلطنت در عثمانی ملغی شده و در ترکیه کنونی که وارث آن امپراتوری

دوره دیگر، جنگ و درگیری اوضاع را آشفته کرده است.

سال‌ها، نگاه ایران به جهان از طریق غرب بوده و کشور گشایان ایرانی از طریق مرزهای غربی به جهان دست‌درازی می‌کردند.

پس از استقرار عثمانی‌ها و تضادهای مذهبی و سیاسی که بین ایران و این امپراتوری ایجاد شد راه به سوی غرب عملاً مسدود گردیده و ایران ارتباط جهانی خود را از طریق خلیج فارس، دریای خزر و روسیه پی گرفت. ولی این مساله سبب نگردید کشمکش‌ها و اختلافات پایان یافته و ایران و همسایگان غربی به صلح و دوستی روی بیاورند.

با روی کار آمدن صفویان در ایران و انتخاب تشییع به عنوان دین رسمی کشور و در حالی که امپراتوری عثمانی خود را پرچمدار اهل سنت می‌دانست اختلاف میان آنها شدت گرفت. البته غرب مسیحی نیز که از قدرت و توان عثمانی‌ها هراسان بود به اختلافات ایران با این امپراتوری دامن زده و تمایلی به برقراری صلح و آشتی میان طرفین نداشت زیرا با جنگ مذهبی که میان ایران و عثمانی وجود داشت عملاً غرب مسیحی به فراموشی سپرده شده

ایران و عراق دو کشور همسایه هستند که از دیرباز با یکدیگر در کشمکش بوده و این کشمکش‌ها سبب بروز جنگ‌ها و نزاع‌هایی میان دو کشور شده است

رابطه ایران با جهان از زمان‌های باستان همواره از طریق مرزهای غربی بوده و ایران از این طریق با جهانیان ارتباط برقرار می‌کرد.

نگاهی به تاریخ جنگ‌های ایران و روم و یا تهاجمات اعراب که به سقوط امپراتوری ساسانی انجامید و در نهایت چالش سیاسی و مذهبی با عثمانی‌ها نشان از این واقعیت دارد که مرزهای غربی ایران همیشه مساله‌ساز بوده و کانون درگیری‌ها و اختلافات بشمار می‌رفته است.

البته این بدان معنی نیست که دیگر نقاط مرزی ایران آرام بوده و مشکلاتی با همسایگان در این مناطق وجود نداشت ولی اوضاع در غرب به گونه‌ای بوده که با چالش و جنگ و درگیری همراه بوده و بندرت شاهد آرامش یا همسایه‌های غربی بودیم. این اختلافات و درگیری‌ها اختصاص بر یک دوره خاص نداشته و نمی‌توان ادعا کرد که در یک دوره، طرفین در صلح و صفا زندگی می‌کردند و در

بود جمهوری برقرار شد.

ایران و عثمانی به دلیل اختلافات مذهبی و ارضی طی ۴ قرن ۲۴ بار با هم جنگ کردند و جنگ تحمیلی با رژیم صدام در حقیقت بیست و پنجمین جنگ ایران با همسایه غربی بود که اولین آنها در چالداران روی داد و با شکست شاه اسماعیل صفوی همراه بود و آخرینش هم بدون پیروزی طرفین با پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل خاتمه یافت.

در این سال‌ها ۷ جنگ در قرن دهم، ۹ جنگ در قرن یازدهم، ۷ جنگ در قرن دوازدهم، یک جنگ در قرن سیزدهم و یک جنگ هم در قرن چهاردهم هجری روی داد که در اکثر آنها عثمانی‌ها آغازگر جنگ بودند. آخرین جنگ ایران با عثمانی در سال ۱۸۲۳ روی داد و تا زمان سقوط این امپراتوری جنگ دیگری روی نداد، البته در این مدت حملاتی را از سوی عثمانی‌ها شاهد بودیم که طی آن عثمانی‌ها ۵ بار بخش‌هایی از ایران را به اشغال خود درآوردند. همچنین در این سال‌ها ۲۰ عهدنامه تعیین خطوط مرزی میان دو طرف به امضای رسید که همیشه یکی از طرفین آن را نقض می‌کرد. سرزمین عراق که آخرین جنگ ایران با باقیمانده عثمانی را شاهد بود، در سال ۱۶۵۸ در زمان حکومت سلطان مراد چهارم برای همیشه از ایران جدا شد.

افول امپراتوری عثمانی که آن را به مرد بیمار اروپا تبدیل کرد با جنگ اول جهانی کامل شد. در سال ۱۹۱۶ سایکس و پیکو دو نماینده انگلیس و فرانسه درباره تقسیم امپراتوری عثمانی پس از شکست در جنگ به توافق رسیدند که طبق توافق آنها قرار شد اردن، فلسطین و عراق تحت قیمومیت انگلیس درآمده و فرانسه نیز کنترل سوریه و لبنان را در دست بگیرد.

در سال ۱۹۲۳ طبق قرارداد لوزان مرزهای جدید منطقه ترسیم شده و ترکیه از ادعا نسبت به اراضی خاورمیانه و خلیج فارس چشم‌پوشی کرد.

در عراق، شیعیان در سال ۱۹۲۰ دست به قیام علیه انگلیسی‌ها زدند که به انقلاب ۱۹۲۰ معروف شد ولی با شکست مواجه شد. در نهایت در ۱۱ ژوئیه ۱۹۲۱ فیصل یکی از پسران حسین شریف مکه پس از مراجعه به آرای عمومی به سلطنت رسیده و به عنوان فیصل اول زمام امور را در دست گرفت، او در ۲۳ اوت ۱۹۲۱ تاجگذاری کرد.

ایران به عنوان یکی از همسایه‌های عراق مایل

به برقراری رابطه با این کشور بود که در این ارتباط هیات‌هایی میان دو کشور رد و بدل شد که در نهایت دو کشور اقدام به شناسایی یکدیگر کرده و در سال ۱۹۲۹ روابط دیپلماتیک میان تهران و بغداد برقرار شد.

روابط ایران با عراق همواره با فراز و نشیب‌های فراوان همراه بوده است بطوری که میان دو کشور خصوصاً در زمانی که خانواده هاشمی بر عراق حکومت می‌کرد ۲ پیمان نظامی و امنیتی در سال‌های ۱۹۳۷ و ۱۹۵۵ منعقد شد که به پیمان سعدآباد و پیمان بغداد معروف شدند اما با کودتای نظامی عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۵۸ که به سقوط رژیم پادشاهی و اعلام جمهوری در عراق انجامید پیمان بغداد لغو و روابط دو کشور تیره شد. در این



سال‌ها حتی دو کشور دست به قطع رابطه زده و بر سر شط‌العرب (اروند رود) در حالت جنگی قرار گرفتند.

قبل از قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره که میان دو کشور به امضا رسید دو کشور بارها درباره اختلافات مرزی خصوصاً وضعیت شط‌العرب (اروند رود) به تشریح مساعی پرداخته و قراردادهایی میان طرفین به امضا رسید که یا طرف ایرانی آن را نپذیرفت و یا اینکه عراقی‌ها آن را نادیده گرفتند.

پس از شناسایی عراق در سال ۱۹۲۹ جلسه‌ای در سال ۱۹۳۱ میان نمایندگان ایران، انگلستان و عراق در بصره تشکیل شد که نتیجه‌ای در پی داشت ولی در ۲۰ ژوئن ۱۹۳۲ زمانی که عراق درصدد

عضویت در جامعه ملل بود در یادداشتی صراحتاً به اختلاف با ایران اشاره کرد و در سوم اکتبر ۱۹۳۲ نیز محمد علی فروغی وزیر خارجه و نماینده ایران در جلسه مجمع عمومی جامعه ملل اعلام کرد: بین دولت عراق و دولت متبوع وی، اختلافاتی در مورد سرحدات دو کشور وجود دارد که باید حل و فصل شود و اکنون که دولت عراق به عضویت جامعه ملل در می‌آید امید می‌رود راه‌حل معقولی برای اختلافات ۲ کشور پیدا شود.

سفر ملک فیصل به ایران و در پی آن دینار رضاشاه از عراق نیز نتوانست مانع ادامه اختلافات شود تا این که عراق از ایران به جامعه ملل شکایت کرد. در جلسه شورا، نماینده ایران رسماً نظر تهران را چنین به اطلاع اعضا رسانده و خواسته عراق را که حاکمیت بر تمامی شط‌العرب (اروند رود) بود را رد کرد. نماینده ایران گفت: مایلم در مورد مرز آبی خاطر نشان نمایم که هم بین کشورهای ساحلی و هم بین اعضای جامعه، هیچ اصلی به جز اصل تساوی حاکمیت دو کشور بر وسط رودخانه نمی‌تواند قابل اجرا باشد.

در سال‌های ۱۹۳۷، ۱۹۳۲، ۱۹۲۲، ۱۹۳۱ و ۱۹۶۷ عهدنامه‌ها و توافق نامه‌هایی میان ایران و عراق در زمینه‌ای مختلف به امضا رسید اما این قراردادها نتوانست مانع ادامه اختلافات شود تا این که در سال ۱۹۷۵ در جریان اجلاس سران اوپک در الجزیره، ایران و عراق قرارداد معروف ۱۹۷۵ را به امضا رساندند که شامل یک مقدمه و ۳ پروتکل درباره تعیین مرز رودخانه‌ای، علامت‌گذاری مجدد مرز زمینی و امنیت در مرزها می‌شد.

در بیانیه‌ای که در پایان مذاکرات محمد رضا پهلوی با صدام حسین در الجزیره انتشار یافت آمده بود.

طی اجلاس کنفرانس سران کشورهای عضو اوپک که در الجزیره برگزار شد به ابتکار پرزیدنت بومدین، اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریا مهر و جناب آقای صدام حسین معاون شورای فرماندهی انقلاب عراق در ۲ نوبت با یکدیگر ملاقات کرد و به تفصیل درباره مناسبات میان ایران و عراق به مذاکره پرداختند. این مذاکرات که در حضور پرزیدنت بومدین انجام گرفت آمیخته از صراحت و اراده صادقانه دو طرف برای دست یافتن به یک راه حل قطعی و پایدار جهت کلیه مسایل معوقه میان دو کشور بود.

با رعایت اصول احترام به تمامیت ارضی و تجاوزناپذیری مرزها و عدم دخالت در امور داخلی، طرفین تصمیم گرفتند:

۱- مرزهای زمینی خود را براساس پروتکل قسطنطنیه مورخ سال ۱۹۱۳ و صورتجلسه‌های کمیسیون تعیین مرز مورخ سال ۱۹۱۴ تعیین کنند  
۲- مرزهای آبی خود را براساس خط تالوگ تعیین نمایند.

۳- با این کار دو کشور امنیت و اعتماد متقابل را در امتداد مرزهای مشترک خود برقرار خواهند ساخت. طرفین بدینسان متعهد می‌شوند در مرزهای خود یک کنترل دقیق و مؤثر به منظور قطع هرگونه رخنه و نفوذ که جنبه خرابکارانه از هر سو داشته باشد اعمال کنند.

۴- دو طرف توافق کرده‌اند که مقررات فوق عواملی تجزیه‌ناپذیر جهت یک راه حل کلی بوده و در نتیجه بدیهی است که نقض هر یک از مفاد مواد فوق مغایر روحیه توافق الجزیره می‌باشد.

در پی امضای توافق نامه مزبور، محمدرضا پهلوی در سخنانی در مراسم پایان دوره دانشگاه پدافند ملی اعلام کرد "بعد از سال‌های سال اختلاف و مناقشه، بالاخره مطالب خودمان را با همسایه غربی خود یعنی کشور عراق حل کردیم و وضعیت طبیعی و دوستانه‌ای برقرار شده است. البته این یک واقعه مهمی بود که در تاریخ هر دو مملکت ضبط خواهد شد."

مهمترین مساله در این قرارداد، پروتکل امنیتی بود که ایران و عراق را به دو کشور دوست تبدیل کرده و مانع فعالیت مخالفین در آنها شد. در همین رابطه ایران به حمایت و تحریک کردهای عراقی پایان داده و عراق هم جلوی فعالیت ایرانی‌ها مخالف را گرفت. بطوری که ایجاد ممنوعیت برای امام خمینی در عراق که منجر به خروج او از این کشور شد در همین راستا صورت گرفت. ارتش ایران برای اجرای پروتکل امنیتی اقدام به اجرای طرح سیم‌رغ در مرزهای مشترک با عراق کرده بود.

با سقوط رژیم شاهنشاهی، روابط میان تهران و بغداد دگرگون شد زیرا عراق مدعی بود که ایران در قالب صدور انقلاب در صدد دخالت در امور داخلی این کشور است و عراق نیز با تحریک اعراب خوزستان و برخی گروه‌های کرد به اختلافات دامن می‌زد تا این که دکتر ابراهیم یزدی در اجلاس جنبش غیرمتمهدها در سال ۱۹۸۰ در هاوانا با صدام حسین

ملاقات و درباره بهبود روابط مذاکره کرد که در همین رابطه قرار شد صدام حسین از ایران دیدن کند.

ولی جنگ میان دو طرف که ۸ سال به طول انجامید اوضاع را کاملاً دگرگون کرده و زمینه‌های صلح و آشتی را از بین برد.

صدام حسین و رژیم عراق ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ به طور یک جانبه قرارداد ۱۹۷۵ را لغو کردند و در ۲۲ سپتامبر حمله به ایران آغاز شد عراق ادعا کرد "به سبب قصور ایران در ایفای تعهدات مربوطه، قرارداد ۱۹۷۵ خود به خود ساقط شده است". صدام حسین در آوریل ۱۹۸۰ در گفت‌گویی برای توقف حالت جنگ بین دو کشور ۳ شرط را اعلام کرد که عبارت بودند از:

۱- خروج بی قید شرط ایران از جزایر تنب و جزیره ابوموسی

۲- بازگرداندن دنباله شط العرب (اروند رود) به حالت قبل از سال ۱۹۷۵

۳- به رسمیت شناختن عربی بودن عربستان (خوزستان)

در نهایت دو کشور پس از ۸ سال جنگ، قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفته و به حالت جنگ در مرزهای یکدیگر خاتمه دادند. عراق در سال ۱۹۸۷ و ایران در سال ۱۹۸۸ رسماً این قطعنامه را پذیرفتند.

ولی رژیم عراق که در جنگ با ایران از حمایت برخی از کشورهای محافظه کار عرب و غربی‌ها بهره‌مند شده بود اقدام به اشغال کویت کرد که این اقدام واکنش شدید بین المللی را در پی داشت. در این مقطع بغداد برای جلب رضایت ایران و بی طرف نگه داشتن تهران در جنگ خود در خلیج فارس در نهایت در سال ۱۹۹۰ اقدام به پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ کرد.

ولی پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ به منزله برقراری صلح کامل میان دو کشور نبود بلکه ایران و عراق تا روزی که رژیم بعث سقوط کرد در حالت نه جنگ نه صلح به سر برده و نتوانستند به اختلافات خود پایان بدهند.

دیدگاه‌های سران دو کشور در نامه‌هایی که میان صدام حسین و هاشمی رفسنجانی مبادله شده به خوبی تشریح شده است.

در این رابطه نامه صدام حسین در سال ۱۹۹۰ خطاب به هاشمی رفسنجانی ریاست جمهوری وقت ایران گویا می‌باشد. متن نامه صدام حسین چنین است.

## آقای علی اکبر هاشمی رفسنجانی ریاست جمهوری

سلام علیکم: جهت تسریع در راه صلح، تمایل خودم را در فرستادن نماینده‌ای از طرف ما به سوی شما جهت رویارویی و بحث پیرامون استقرار صلح بین دو کشور و استفسار از نظرات شما نسبت به هر آنچه که اجرای صلح را در عراق و ایران تسهیل نماید اعلام می‌نمایم. طبق نظر شما این دیدار می‌تواند علنی یا محرمانه باشد.

والله الموفق - صدام حسین  
بغداد فی ۲۴ ذوالحجه ۱۴۱۰ هجری  
مطابق با ۱۶ تموز ۱۹۹۰

با تلاش آمریکا و گروه‌های معارض عراقی برای سرنگونی رژیم بعث، ایران نیز به صورت دو پهلو در ماجرا دخالت کرد بطوری که از یک سو با مقامات عراقی به رایزنی پرداخته و از سوی دیگر معارضین را در تهران می‌پذیرفت. ولی با حمله به عراق و سقوط رژیم بعث برخی جناح‌های محافظه کار ایرانی که خود را مخالف آمریکا می‌دانند به پنهان اعتراض به اقدامات پنتاگون در عراق حمایت از صدام و رژیم بعث را پیش گرفتند که این مساله چندان به مذاق مردم و دولت موقت این کشور خوش نیامد.

پس از آن نیز بارها اعلام شد که ایران در حادثه آفرینی‌ها در عراق دست دارد. همین مساله تا حدودی رابطه تهران با بغداد را تیره کرده و سبب بروز اعتراضاتی از سوی عراقی‌ها شد.

پس از انتقال قدرت به مردم عراق نیز مواضع ضد و نقیضی گرفته شد که در نهایت آیت الله خامنه‌ای در یک سخنرانی ضمن انتقاد از دولت جدید عراق بر این مساله صحنه گذارد که "ایران انگیزه‌ای برای معارضه با دولت کنونی عراق ندارد. وی افزود این دولت با انتخاب مردم روی کار نیامده است اما می‌تواند روشی پیش بگیرد که مردم را به خود متمایل کند."

تهران اگر در صدد است رابطه مطلوبی با بغداد داشته و دو کشور به عنوان دو همسایه در صلح و آرامش با یکدیگر زندگی کنند باید برخی سیاست‌های خود را تعدیل کرده و به خواسته مردم عراق احترام گذارده و واقعیت‌های موجود در این کشور را به رسمیت بشناسد تا قرن‌ها اختلاف و درگیری خاتمه یافته و صلح در مرزهای دو کشور برقرار شود.